



Recitations (Qira'at) and Its Authenticity from the Perspective of Abu Jafar Tabari and Amin al-Islam Tabarsi *



Mohammad Hossein Mohammadi ^۱

Yahya Akhlaqi ^۲

Mohammad Amini Tehrani ^۳

Abstract

The issue of the effectiveness of interpretation of different recitations (Qira'at) of the Holy Quran is considered important research in the field of interpretation and science of the Quran. Quranic commentators and Islamic scholars have explained the effect of various recitations (Qira'at) on the interpretation of the Holy Quran according to their evidence and foundations in this matter, and they have mentioned many pieces of evidence of the effect of various recitations (Qira'at) in understanding the meanings of the verses in Quranic studies and interpretations. The subject of this research is the examination of the recitations (Qira'at) in two commentaries of Jame al-Bayan of al-Tabari and Majma' al-Bayan of al-Tabarsi. The purpose of this research is to compare and investigate the basics of recitations (Qira'at) from various aspects of the Holy Quran between two great Islamic commentators and scholars "Tabarsi" and "Tabari" in the use of different recitations (Qira'at), which the researcher tried to do while conducting a detailed examination of the thoughts and writings of these two great scholars. Islamic scholars should conclude to what extent the effectiveness of the interpretation of recitations (Qira'at) and what foundations they have and for what reasons they argue in this matter. The research method in this article is descriptive and analytical, and it has been investigated using Quranic written sources and interpretations and comparatively. Both commentators have paid attention to the recitations (Qira'at) of Shaz and Mutawtir. At the same time, Tabari was influenced by Ahl al-Sunnah traditions and Tabarsi was influenced by Ahl al-Bayt traditions and he has paid attention to Shia traditions.

Keywords: Recitations (Qira'at) of Seven Reciters, Basics, Al-Tabari's Jame' Al-Bayan, Al-Tabarsi's Mama' Al-Bayan, Exegesis.

*. Date of receiving: May ۲, ۲۰۲۲, Date of approval: January ۳, ۲۰۲۳.

۱. Assistant Professor, Department of Quran Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran; mohamadhosein_mohamadi@miu.ac.ir

۲. Student of Level ۴, Recitation Sciences and Arts, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author) hossainamir۰۲۱@gmail.com

۳. Assistant Professor of the Department of Recitation Sciences and Arts, Al-Mustafa International University; mohamad_aminitehrani@miu.ac.ir



قراءات و حجیت آن از منظر ابوجعفر طبری و امین الاسلام طبرسی *

محمد حسین محمدی ** یحیی اخلاقی *** محمد امینی تهرانی ****

چکیده

مسأله اثرپذیری تفسیر از قراءات مختلف قرآن کریم از بحوث مهم در حوزه تفسیر و علوم قرآن بشمار می‌رود. مفسران قرآنی و علمای اسلامی با توجه به ادله و مبانی خاص خود در این موضوع، به تبیین تأثیر قراءات گوناگون بر تفسیر قرآن کریم پرداخته‌اند و شواهد زیادی از تأثیر قراءات مختلف در فهم و درک معانی آیات را در مطالعات قرآنی و تفاسیر ذکر کرده‌اند. موضوع این تحقیق بررسی قراءات در دو تفسیر جامع‌البیان طبری و مجمع‌البیان طبرسی است. هدف این تحقیق مقایسه و بررسی تطبیقی مبانی قراءات از جنبه‌های گونه‌گون قرآن کریم میان دو مفسر و دانشمند بزرگ اسلامی «طبرسی» و «طبری» در استفاده از قراءات مختلفه می‌باشد که پژوهشگر سعی کرده ضمن انجام بررسی دقیق بین افکار و نوشته‌های این دو عالم بزرگ اسلامی به این نتیجه دست یابد که میزان تأثیرپذیری تفسیر از قراءات تا چه حد بوده و ایشان از چه مبانی برخوردار بوده و به چه دلایلی در این موضوع به استدلال پرداخته‌اند. روش پژوهش در این مقاله توصیفی و تحلیلی بوده و با استفاده از منابع مکتوب قرآنی و تفاسیر و به‌صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. هر دو مفسر هم به قراءات شاذ توجه کرده‌اند و هم متواتر. در عین حال طبرسی تحت تأثیر روایات اهل سنت بوده و طبری نیز به روایات اهل بیت علیهم‌السلام و هم به روایات شیعه توجه کرده است.

واژگان کلیدی: قراءات سبعة، مبانی، جامع‌البیان طبری، مجمع‌البیان طبرسی، تفسیر.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳.

**. استادیار، گروه علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران: (mohamadhosein_mohamadi@miu.ac.ir)

***. دانش آموخته سطح چهار رشته علوم و فنون قرائت، (از کشور افغانستان)، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران، «نویسنده مسئول»: (hossainamir021@gmail.com).

****. استادیار، گروه علوم و فنون قرائت، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران: (mohamad_aminitehrani@miu.ac.ir)



مقدمه

یکی از مباحث کلیدی و مهم در قرآن کریم موضوع اختلاف قراءات است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تاریخ آن را اگر از صدر اسلام تا کنون در نظر بگیریم، خواهیم دید که شکل‌گیری قراءات مختلف در طول دوره‌های خاص زمانی به وجود آمده است.

دوره اول: این دوره مربوط به نزول اولیه قرآن است و فرشته وحی آیات را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل می‌کرد و آن حضرت هم قرآن را با قرائت واحد بر اصحاب خود تعلیم می‌داد که در این دوره آنچه که مهم بود، نص واحد قرآن بود و اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با شوق و اشتیاق مع الوصفی، آیات الهی را ثبت و ضبط کرده و به حفظ آن می‌پرداختند.

دوره دوم: شیوع قراءات مختلف و گسترده‌گی آن در مناطق و بلاد مختلف اسلامی بود که تک تک قراء با در دست داشتن مصحف خود طبق آن به مردم منطقه خود قرآن را می‌آموختند و سرانجام عثمان با جمع‌آوری مصاحف مختلف و ایجاد یک مصحف واحد کرد؛ اما با این حال این کار باعث وحدت قراءات نشد.

این مراحل طی شد تا اینکه دوره جمع‌آوری قراءات توسط ابن مجاهد (م. ۳۲۴) و گردآوری هفت قرائت معتبر از اختلافات بیش از حد جلوگیری نماید. متأسفانه تا امروز می‌بینیم که دامنه اختلاف قراءات به چهارده قرائت و چندین روایت هم گسترش یافته است و میزان اعتبار و حجیت قراءات بین مسلمانان و دانشمندان قرآنی و فقهای اسلام مختلف است. نویسنده در این مقاله سعی دارد تا با بررسی قراءات در تفسیر جامعه البیان و مجمع البیان رویکردهای آنان را در این باره به تصویر کشد.

جامع البیان معروف به تفسیر طبری: نام کامل آن جامع البیان عن تأویل [أی] القرآن، یکی از قدیمی‌ترین و جامع‌ترین تفسیرهای قرآن مجید است. نظر به تأثیر و نفوذی که در تفسیرهای بعدی داشته، می‌توان آن را «أُمُّ التَّفَاسِیر» نام داد. این اثر عمدتاً بر مبنای احادیث تفسیری با ذکر سلسله کامل سند هر حدیث تدوین شده است. مولف آن ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری آملی (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۶۷/۲؛ زرکلی، ۱۹۸۹؛ الطبری، ۵/۲۰۰۹: ۲۲۴ یا ۲۲۵ - ۳۱۰ قمری) است که در آمل زاده شد (یاقوت

حموی، ۱۳۸۱: ۴۸/۱۸) و خود در مورد دوران خردسالی خویش می‌گوید: قرآن کریم را در حالی که هفت ساله بودم حفظ کردم.

تفسیر «مجمع البیان» طبرسی: ایشان به سال ۴۶۸ (یا ۴۶۹ ق.)، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۷/۱) دیده به جهان گشود و حسن بن فضل طبرسی پدر آن عزیز، او را «فضل» نامید (شوشتری، ۱۳۷۷: ۲۰۲/۱). اصل و منشأ «فضل بن حسن» طبرسی «تفرش» بوده و به همین سبب به «طبرسی» معروف و مشهور گشته است (بیهقی، بی‌تا، ۲۴۲).

علامه طبرسی تفسیر خود را در مدت هفت سال و با اقتباس از تفسیر «التبیان» اثر شیخ طوسی، تدوین کرد و هر یک از فنون مختلف قرآنی را به صورت جدا از هم و در قالبی منظم و مرتب بیان نمود. این نظم خاص سبب گردید که دانشمندان شیعه و سنی، آن تفسیر را بر بسیاری از تفاسیر دیگر برتری داده، آن را مورد ستایش قرار دهند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۲/۲).

الف. مفهوم‌شناسی قرائت

راغب اصفهانی می‌گوید: «وَالْقِرَاءَةُ: ضَمُّ الْحُرُوفِ وَالْكَلِمَاتِ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ فِي التَّرْتِيلِ: قِرَاءَتُ دُرِّبِغْرِیْنْدِه حُرُوفٍ وَ كَلِمَاتٍ بَعْضُیْ آن‌ها با بعضی در ترتیل است» (اصفهانی راغب، ۱۴۱۲: ۶۶۸). «قِرَاءَات» جمع «قِرَاءَة» در لغت مصدر سماعی از «قَرَأَ» می‌باشد. «قِرَاءَة» مصدری است از ماده قَرَّه بر وزن «فَعَالَة» است (زرقانی، ۱۴۲۷: ۴۰۵/۱) یعنی ضَمُّ الشَّيْءِ: ما قِرَاءَاتِ النَّاقَةِ جَنِيناً أَوْ مَا جَمَعَتْ... او ما ضَمَّت... یعنی نطق کلمات مکتوب: قِرَاءَتِ الْكِتَابِ (آل اسماعیل، ۱۴۱۹: ۲۶) معانی قِرَاءَات شامل: جمع و ضمیمه شدن چیزی است، مانند: «شتر بچه را در حالت جنین جمع نکردم».

نظر دانشمندان قرآنی راجع به قرائات و تعریف آن و نحوه تلفظ قراء مختلف است. زرکشی می‌گوید: «وَالْقِرَاءَاتُ هِيَ اخْتِلَافُ أَلْفَاظِ الْوَحْيِ الْمَذْكُورِ فِي كِتَابَةِ الْحُرُوفِ أَوْ كَيْفِيَّتِهَا مِنْ تَخْفِيفٍ وَتَثْقِيلٍ وَغَيْرِهِمَا» «قِرَاءَات عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که درباره حروف و کلمات قرآن و کیفیت آن‌ها از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آن‌ها از



سوی قراء نقل شده است (زرکشی، ۱۴۲۲: ۴۶۵/۱). ابن جزری از بزرگان علم قرائت می‌گوید: «قرائات علمی است به کیفیت ادای کلمات قرآن و (وجوه) اختلاف آنکه به ناقل آن بر می‌گردد (الجزری، بی‌تا، ۹/۱؛ قسطلانی، ۱۳۹۲ق: ۱۷۰).

دمیاطی بناء، قرائات را بدین صورت تعریف می‌کند: «قرائات، عبارت از علمی است که از رهگذر آن اتفاق نظر و یا اختلاف ناقلین کتاب خدا (در رابطه با حذف و اثبات، متحرک خواندن و ساکن کردن، فصل و وصل حروف و کلمات و امثال آن‌ها، از قبیل کیفیت تلفظ و ابدال و جز آن‌ها) از طریق سماع و شنیدن، قابل شناسایی است». (فضلی، بی‌تا: ۸۰) زرقانی نیز در تعریف اصطلاحی قرائات می‌گوید: «وفی الاصطلاح مذهب یذهب إلیه إمام من أئمة القراء مخالفاً به غیره فی النطق بالقرآن الکریم مع اتفاق الروایات والطرق عنه سواء أکانت هذه المخالفة فی نطق الحروف أم فی نطق هیئاتها» (زرقانی، ۱۴۲۷: ۴۰۵/۱).

ذهبی هشتمین علم از علوم پانزده‌گانه مورد نیاز مفسر را علم قرائات دانسته می‌گوید: «إِذْ بِمَعْرِفَةِ الْقِرَاءَةِ يُمْكِنُ تَرْجِيحَ بَعْضِ الْأُجُوهِ الْمُحْتَمَلَةِ عَلَى بَعْضٍ»؛ یعنی: با شناخت قرائت است که ترجیح بعضی از وجوه محتمله (قرائات) بر بعضی دیگر امکان می‌یابد (ذهبی، ۱۳۹۶: ۲۶۷/۱).

علامه طباطبائی (ره) در تعریف قرائت می‌نویسد: «فنی است که به ضبط و توجیه قرائت‌های هفت‌گانه معروف و قرائت‌های سه‌گانه دیگر و قرائت‌های صحابه و شواذ قرائت‌ها می‌پردازد.» (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۱۲۶).

محمدهادی معرفت (ره) در تعریف قرائات آورده است: «هرگاه تلاوت قرآن به گونه‌ای باشد که از نص وحی الهی حکایت کند و بر حسب اجتهاد یکی از قراء معروف (بر پایه و اصول مضبوطی که در علم قرائت شرط شده) استوار باشد، قرائت قرآن تحقق یافته است.» (معرفت، ۱۳۸۱: ۱۸۲)

ب. بررسی حدیث سبعة احرف و قرائات

۱. دیدگاه طبری و علمای اهل سنت

طبری و جمع دیگری از دانشمندان اهل سنت، معتقدند که منظور از سبعة احرف، لغات قرآن است. او در مقدمه تفسیر خود پشتوانه تفسیر سبعة احرف را به هفت لغت، روایاتی می‌داند که از سوی کسانی مانند عمر نقل شده است.

مهم‌ترین استناد طبری بر سخن خود، روایت مربوط به اختلاف عمر بن خطاب و هشام بن حکیم در قرائت سوره فرقان است. مطابق این روایت، پیامبر ﷺ هر دو را تأیید نمود و سپس فرمود: «قرآن بر هفت حرف نازل شده است». لذا مقصود از حرف، لغت است و قرآن بر لغات سبعة نازل شده است؛ یعنی لغاتی که افصح است (مؤدب، ۱۳۷۸: ۱۴۱). ابن جزری در کتاب خود «النشر» حدیثی را از پیامبر اکرم؟ ص؟ همچون متفق علیه می‌آورد که با هم می‌خوانیم:

۱. «قال رسول الله؟ ص؟ إن هذا القرآن أنزل على سبعة أحرف فاقراءوا ما تيسر منه» متفق علیه...؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده است، پس آنچه را که از او میسر هست بخوانید. (الجزری، بی‌تا، ۱۹/۱)

۲. «عن عبدالله بن مسعود قال قال رسول الله؟ ص؟ أنزل القرآن على سبعة أحرف لكل حرف منها ظهر و بطن و لكل حرف حد و لكل حد مطلع»؛ از ابن مسعود روایت شده که پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «قرآن بر هفت حرف نازل شده و برای هر آیه‌اش ظاهری و باطنی و حدی مطلع (و در روایتی دیگر) و حدی و مطلعی است» (طبری، ۱۴۱۲: ۹/۱).

۳. «عَنِ ابْنِ شَهَابٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، حَدَّثَهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «أَقْرَأَنِي جَبْرِيلُ عَلَى حَرْفٍ فَرَأَجَعْتُهُ، فَلَمْ أَزَلْ أَسْتَزِيدُهُ وَيَزِيدُنِي حَتَّى ائْتَهَى إِلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ»؛ از ابن شهاب نقل شده گوید: عبیدالله بن عبدالله از عبدالله بن عباس روایت کرده که پیامبر ﷺ گفته است: «جبرئیل قرآن را به حرف واحد بر من قرائت کرد و من همواره از او می‌خواستم تا آن را بیش‌تر از یک حرف قرائت کند، تا



بالاخره به هفت حرف منتهی گردید» (البخاری، ۱۴۲۲: ۱۸۴/۶؛ النیسابوری، ۲۰۱۰: ۵۶۱/۱).

با توجه به مضامین مختلفی که در روایات اهل سنت در مورد حدیث احرف سبعة می‌بینیم، این نتیجه به دست می‌آید که حدیث مذکور نه تنها نمی‌تواند از تواتر برخوردار باشد؛ چراکه وحدت موضوع یکی از شرایطی است که در حدیث متواتر باید نهفته باشد؛ بلکه مضامین مختلف آنکه در منابع متعدد اهل سنت نقل شده، نشانه ضعف و ابهام این روایت است.

ابهام در نظریه احرف سبعة، آن چنان گسترده است که ابن جزری، دانشمند معروف و بزرگ اهل سنت، به گفته خود سی سال در آن تأمل و اندیشه کرده است (الجزری، ۱۴۱۸: ۲۶/۲).

همچنین مشخص نیست که آیا واقعاً حدیث سبعة احرف، اساساً مربوط به لفظ است یا معنا؟ و اگر مربوط به معنا است آیا برای هر آیه، هفت معنا قابل ترسیم است؟ یا برای برخی از آیات چنین خواهد بود؟ اگر مربوط به لفظ است، آیا مربوط به تمامی الفاظ است، منظور چیست؟

از آنجا که مفهوم و مضامین حدیث متعدد است، سعی علمای اهل سنت این است که به معنای واقعی «احرف» برسند و همان طور که ابن عربی گفته: «در تعیین معنای این کلمه هیچ نصّ و اثری وارد نشده و هر چه از آراء مختلف بیان گردیده از جانب خود مردم بوده است» (لطایفی، ۱۳۹۰: ۲۵/۹).

اشکال دیگری که پیرامون این حدیث مطرح است، مخالفت آن با صحیحۀ زراره از امام صادق علیه السلام است که فرموده‌اند: «ان القرآن واحد نزل من عند الواحد ولكن الاختلاف یجیی من قبل الرّواة»؛ همانا قرآن یکی بیش نیست که از جانب (خدای) واحد نازل شده است و این اختلافات بر سر قرائت آن از جانب راویان (قاریان) صورت گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۰/۲ ح ۱۲).

همچنین امام صادق علیه السلام روایت رایج میان مردم را - که در آن، مسئله هفت حرف مطرح شده تکذیب کرده و فرموده‌اند: «کذبوا أعداء الله ولكنه نزل على حرف واحد من عند الواحد»؛ دروغ می‌گویند دشمنان خدا! به یک حرف، از سوی یک خدا، نازل شده است (مازندرانی، ۱۴۲۹: ۷۶/۱۱).

۲. دیدگاه شیعه درباره حدیث سبعة احرف

بعد از بررسی دیدگاه‌های دانشندان اهل سنت در مورد حدیث احرف سبعة هم اکنون نوبت به موضع علمای تشیع در رابطه با حدیث مذکور می‌رسد. دانشمندان شیعه نظر موافقی نسبت به اصل و سند این حدیث ندارند، البته تعداد محدودی از احادیث در منابع شیعه پیرامون حدیث سبعة احرف وجود دارد.

روایت سبعة احرف در منابع حدیثی شیعه، به ندرت نقل شده و آن هم در رتبه ی خبر واحد که دارای ضعف سندی و دلالتی است. این موضوع ذهن را به این پرسش وامی‌دارد که اگر این روایت متواتر است، چگونه در منابع حدیثی شیعه، از تواتر و کثرت ناقلان آن خبری نیست؟ و چرا صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جمله ابوبکر یا حضرت علی علیه السلام که بیشترین روایات مربوط به قرآن را حتی در کتب اهل سنت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت نه و نامشان در سند روایت سبعة احرف، کنار دیگر صحابه نیست؟

شیخ طوسی در مقدمه تفسیر خود روایات اهل سنت را که دال بر نزول قرآن بر «هفت حرف» است را خبر واحد و غیرقطعی می‌داند و پس از ذکر دیدگاه‌های مختلف دانشمندان اسلامی، در توجیه آن‌ها می‌گوید که به فرض صحت این روایات، بهترین توجیه آن است که مراد از هفت حرف را هفت وجه اختلاف در قرائات قرآن، از قبیل اختلاف در حروف کلمه، اعراب و تقدیم و تأخیر کلمه، بدانیم؛ زیرا ائمه شیعه، خواندن قرآن را بنا بر قرائت‌های مختلف قراء جایز شمرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۳: ۷/۱-۹).



ج. حجیت قرائات سبعة

برای بررسی و فهم حجیت قرائات سبعة باید حجیت قرائات و خصوصاً نظر دو مفسر بزرگ طبرسی و طبری را در این مورد مورد کنکاش قرار داد. مراد از حجیت قابلیت احتجاج داشتن یا حجت بودن است. حجیت نیز به معنی برهانی است که بتوان به آن استدلال کرده، چیزی را اثبات کرد.

با توجه به دیدگاه مفسران و در رأس آن ابوحنیف اندلسی (صاحب البحر المحیط) و قرطبی (صاحب الجامع لأحكام القرآن) ظاهر می شود که جمهور علما از قراء، مفسران، محدثان، فقهاء، اصولیون و غیره معتقدند که همه قرائات متواتر از نظر صحت در یک سطح قرار داشته و قابل احتجاج و استدلال در بررسی های لغوی و فقهی می باشند و در این باب تنها قرائات شاذ استثناء شده است (ابوحنیف، ۱۴۲۰: ۴۶/۱).

مرحوم طبرسی نیز می نویسد: «از مذهب امامیه ظاهر می شود که آنان اجماعاً گفته اند قرائت به قرائاتی که بین مردم متداول می باشد، (قرائات سبعة) جائز است و در عمل نیز به آنچه این قراء گفته اند تابع گشته و عمل به قرائتی را که نادر باشد مکروه دانسته اند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵/۱).

بررسی حجیت قرائات سبعة:

مراد از حجیت، قابلیت احتجاج داشتن یا حجت بودن است. حجت نیز به معنی برهانی است که بتوان به آن استدلال کرده، چیزی را اثبات کرد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۳/۳-۵۴) اگر قرائت را حجت بدانیم، مفهومی پذیرش نوعی قرائت و ترتیب اثردادن به آن است. اما اگر قرائت حجت نباشد، فاقد نقش و کارآیی دانسته می شود و در این صورت، این پرسش جدی مطرح خواهد شد که چرا به امر قرائت بهای بسیاری داده شده است؟ و آیا می توان تمام کوششی را که در این زمینه انجام گرفته است بیهوده دانست؟

بنابر موضع گیری در مقابل تعدد قرائت ها و تأکید بر وحدت آنها، نوعی رویارویی با پدیده ای طبیعی و مخالفت با روندی تاریخی است که ضرورتی ندارد، چنانچه ضرورتی می داشت این کار انجام گرفته بود. تسلسل تاریخی سماع، سماع و نقل، محور قرائت بوده

و به آن اهتمام می شده است. این مساله به صورت سلسله وار و از آغاز تا امروز ادامه یافته است. مثل همان تسلسلی که در مورد نقل حدیث به چشم می خورد و به اجازه نقل حدیث شهرت یافته است.

نتیجه ای که می توان گرفت، این است که در صورت اجتهادی بودن قرائت، آیا نیازی بدین کار بوده است؟ به ویژه آنکه می دانیم ارتباطات با دشواری های فراوانی در گذشته روبرو بوده است و عالمان قرائت با تحمل رنج های بسیار به این کار اقدام می کرده اند. «سیویه» از ایران به بغداد کوچ کرد که برای سماع قرائت، نمونه ای از آن است. (اخوان، مقاله: ۷) بجاست که به نخستین عوامل اختلاف قراءات، توجه بیشتری شود؛ زیرا اجتهاد قاری (به ویژه قاریان هفتگانه) در صورتی که واقعیت هم داشته باشد، امری است که در سده دوم هجری رخ داده و در طول عوامل دیگر قرار می گیرد. بی شک نمی توان مدعی وجود چنین اجتهادی در عصر نزول وحی و در مورد صحابه شد؛ در حالی که وجوه مختلف قرائت در آن دوره پدید آمده است و در روزگار عثمان نیز به عمد، مصاحف امام به گونه ای نگاشته شده که وجوه قراءات را برتابد. پس باید سراغ عوامل دیرین رفت تا دلیل اختلاف قراءات آشکار شود.

یکی از آن عوامل را اختلاف در نزول وحی یا جواز قرائت خود پیامبر صلی الله علیه و آله وجوه مختلف دانسته اند. به دو روایت در این زمینه توجه فرمایید:

۱. ابن ولید از صفار و او از ابن معروف، وی از محمد بن یحیی صیرفی و او از حماد بن عثمان و وی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که به ایشان گفتم چرا روایات شما گوناگون است؟ ایشان پاسخ دادند: قرآن بر هفت حرف نازل شده و کمترین حقی که امام دارد، این است که به هفت گونه فتوی دهد. سپس فرمود: این نعمت ما است پس بی حساب بخشیده یا امساک کن (صدوق، ۱۴۱۰: ۳۵۸/۲).



۲. جاجیلو به از محمد عطار، او از اشعری و او از احمد بن هلال و وی از عیسی بن عبد هاشمی و او از پدرش و او از پدرانش نقل کرده که پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: فرستاده‌ای از سوی خدا نزد من آمده و گفت: خدا به تو دستور می‌دهد قرآن را بر یک حرف قرائت نمایی. من گفتم خدای من بر من وسعت ده. پس فرمود: خدایت فرمان می‌دهد قرآن را بر یک حرف بخوانی. (همو) باز گفتم برامت من توسعه ده. پس فرمود: خدا به تو فرمان می‌دهد قرآن را بر هفت حرف بخوانی. در منابع اهل سنت نیز روایاتی به همین مضمون به چشم می‌خورد (نسائی، بی‌تا، ۱۵۴-۱۵۰/۲؛ سجستانی، بی‌تا، ۷۵/۲-۷۶).

صحابه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز وجوه مختلف قرائت را از ایشان فرا می‌گرفتند و برای مردم نیز گوناگون نقل کرده‌اند. پس از این راه اختلاف قرائت پیش آمده است (فضلی، بی‌تا، ۹۴). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، قرائت‌های گوناگون صحابه را نیز تقریر و تأیید کرده است (همان، ۹۲).

وجود این ویژگی‌های عصر نزول وحی، مجالی برای اجتهاد قاری به‌عنوان عاملی برای اختلاف قراءات، باقی نمی‌گذارد و موجب می‌شود تا باب اجتهاد در قرائت مسدود گردد. مجوز حجیت قرائت

حجیت قرائت تنها به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است و تا به گونه‌ای منتسب به ایشان نباشد، اعتباری ندارد. قرائت، در حقیقت گونه‌ای از نقل حدیث است.

حدیثی که در آن، گونه و وجه خاصی از تلفظ برخی از کلمات قرآن، از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای ما نقل شده است و حجیت سنت نیز قولی است که همگی بر آنند و آن را قبول دارند. امکان عقلی تعدد قراءات نکته‌ای که شایان توجه است این است که در مقام ثبوت، اختلاف قرائات مانعی ندارد؛ زیرا قرآن معجزه جاوید اسلام است و اعجاز لفظی آن چیزی نیست که در پرده ابهام مانده باشد. عجز مخالفان آن در طول تاریخ، بدین صورت که نتوانسته‌اند الفاظ و ترکیبی مانند قرآن ارائه دهند، بهترین شاهد اعجاز لفظی قرآن است.

بر این اساس، در برخی موارد، الفاظ قرآن به گونه‌ای است که امکان قرائت‌های گوناگون را دارند. اما این امر، نباید آسیبی به محتوا و معانی آن برساند و با هر قرائتی، (البته قرائت واجد شرایط صحت)، معنای کاملاً درستی نیز به دست آید.

امکان عقلی تعدد قرائات در مقام ثبوت، راه را برای پذیرش آن در مقام اثبات فراهم می‌کند. از تنوع لهجه‌ها، وحدت و یگانگی نص برمی‌آید که مساله اختلاف قراءات بیشتر به تنوع لهجه‌ها بر می‌گردد. تنوع لهجه‌ها نیز امری کاملاً طبیعی است، به همان اندازه که تعدد زبان‌ها طبیعی است.

اسلام نیز دینی است که از سختی و حرج خالی است، «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸) چنین دینی نمی‌تواند پیروانش را به تلفظ بر خلاف لهجه طبیعی‌شان مجبور کند. اختلاف قرائات بر اساس تعدد لهجه‌ها، به وحدت نص قرآن نیز آسیبی نمی‌زند و بهترین گواه آن، این است که نص قرآن، تاکنون در میان ملل گوناگون مسلمین استوار مانده است. موارد اندک اختلاف قرائات در سراسر قرآن نیز نگران کننده نیست.

روش احتیاط با توجه به برخی روایات و اقوال بزرگان، جمود بر قرائت مشهور، شرط احتیاط نیست؛ بلکه فراتر شدن از آن و فراهم آوردن مجال برای برخی دیگر از قرائات پیمودن راه احتیاط است. چند روایت در این باره آورده می‌شود:

ابوبکر حضرمی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «اگر مردم قرآن را همان طوری که نازل شده است می‌خوانند، حتی دو کس نیز اختلاف نمی‌داشتند (مجلسی، بی تا، ۴۸/۸۹).

«اگر قرائت مشهور کنونی، تمام عیار و همانند قرائت نازل شده می‌بود، چه جایی برای این تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله و اشاره ایشان به قرائتی دیگر بود؟

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرموده است: «مراد از آیه ۲۹ جاثیه این نیست که: این کتاب ما است که به حق با شما خودش سخن می‌گوید؛ بلکه رسول خدا است که ناطق است و خدا فرموده: این کتاب ما است که به حق بر شما تلاوت می‌شود. من گفتم ما



ظهور کند و قرآن را آن طور که نازل شده است، بر مردم بخواند و آن طور که امیرالمؤمنین (ع) جمع آوری کرده است، تلاوت کند.

آنان ما را منع کرده اند که علاوه بر آن چه در قرآن ثبت شده قرائت کنیم؛ زیرا مقدار زاید، متواتر نیست و از راه روایات واحد به ما رسیده است که گاهی دچار اشتباه اند و اگر برخلاف نص موجود قرآن قرائت کنیم، دچار لغزش می شویم، طعمه ستمگران شده خود را به هلاکت می اندازیم. پس از این رو، امامان (ع)، ما را از قرائت برخلاف نص موجود قرآن منع کرده اند.

نظر طبری راجع به حجیت قرائات سبعة

«مهم ترین استناد طبری بر سخن خود، روایت مربوط به اختلاف عمر بن خطاب و هشام بن حکیم در قرائت سوره فرقان است. مطابق این روایت، پیامبر (ص) هر دو را تأیید نمود و سپس فرمود: «قرآن بر هفت حرف نازل شده است». لذا مقصود از حرف، لغت است و قرآن بر لغات سبعة نازل شده است، یعنی لغاتی که افصح است» (مؤدب، ۱۳۷۸: ۱۴۱).

چنانچه انکار نشده که دو نوع قرائت در کار باشد: یکی آن است که در مصحف وجود دارد و دیگری آنکه مفاد روایت است. همان طوری که اهل سنت نیز گفته اند که: «قرآن به وجوه مختلفی نازل شده است. بدین ترتیب که قرآن فرموده است: «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ»؛ او نسبت به غیب بد گمان نیست، یعنی متهم نیست (تکویر: ۲۴). بنابر قرائت دیگر، «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ»؛ یعنی نسبت به غیب بخیل نیست (مجلسی، بی تا، ۷۴/۸۹-۷۵).

مرحوم علامه مجلسی نیز سخنی به این شرح دارد: درباره بسیاری از آیات قرآنی، روایاتی وارد شده است که برخلاف قرائات مشهور هستند؛ مانند آیه الكرسي و آیه «كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره: ۱۴۳) بدین سان شما را امتی معتدل قرار دادیم. (مجلسی، بی تا، ۴۸/۸۹) و آیات دیگر که مجال بررسی شان نیست.



نتیجه گیری

با توجه به شبهات، پراکندگی، موارد تناقض در مضمون حدیث احرف سبعة و اشکالات وارد شده پیرامون این حدیث و معنای مختلف ذکر شده و همچنین با توجه به روایت صحیح امام صادق (ع) مبنی بر اینکه الفاظ قرآن دارای نزول واحد و از نزد واحد است و تکذیب ایشان پیرامون نزول قرآن بر سبعة احرف و نیز با توجه به ضعف سندی و متنی روایت مذکور و تصریح بسیاری از دانشمندان شیعه مانند آیه الله خویی و محمدهادی معرفت بر انکار آن، باید گفت: حدیث نزول قرآن بر احرف سبعة، ضعیف بوده و سخنی نادرست و مجهول است و بر صحت آن حکمی نمی توان کرد.

در میان تفاسیر شیعی، مجمع البیان تنها منبعی است که بحث قراءات را نسبت به سایر تفاسیر شیعی به طور گسترده مطرح نموده است. امین الاسلام طبرسی در مجمع البیان به قراءات مختلف حتی شاذ اشاره دارد و بر اساس آن‌ها به تفسیر قرآن پرداخته است و در مباحث گذشته ذکر شد، شیخ طبرسی در مورد قراءات می گوید: «آنچه از نظر امامیه جلب نظر می نماید، این است که علمای مذهب به اتفاق و به اجماع، قرائت قرآن را بر طبق قرائتی که بین مسلمین معروف و معلوم است، جایز دانسته اند و از انتخاب یک قرائت به خصوص (مثلاً قرائت حفص از عاصم به تنهایی)، با اعتقاد به عدم صحت دیگر قرائت‌ها را مکروه شمرده اند.

شیخ طبرسی رجوع به قرائت‌های دیگر را جایز دانسته است و حتی استفاده از قرائت شاذ را مطرح کرده است؛ بلکه خود نیز در تفسیر مجمع البیان از آن‌ها در جهت تفسیر صحیح استفاده نموده اند. به عبارت دیگر، اختلاف قرائت‌ها در تفسیر مجمع البیان، از درجه بسیار بالایی برخوردار هستند.

فهرست منابع

۱. ابن الجزری، شمس‌الدین ابوالخیر، محمد بن محمد بن یوسف، النشر فی القرائات العشر، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، ابولفضل، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. ابوالحسن القشیری النیسابوری، مسلم بن حجاج، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل، صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۲۰۱۰م.
۴. ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۵. اصفهانی راغب، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۶. افندی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
۷. امین عاملی، محسن، اعیان الشیعه، دارالتعارف، بیروت، چاپ اول، ۱۳۰۴ق.
۸. آل اسماعیل، نبیل بن محمد ابراهیم، علم القرائات، مکتبه التوبه، المملکه العربیه السعودیه، ۱۴۱۹ق.
۹. البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارطوق النجاء، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۰. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، تاریخ بیهقی، تحقیق: احمد بهمنیار، تهران: فروغی، بی تا.



۱۱. پاکتچی، احمد، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ش.
۱۲. الجزری، ابو الخیر محمد بن محمد بن، النشر فی القراءات العشر بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۱۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی (نویسنده)، عطا، مصطفی عبدالقادر (دراسة و تحقیق)، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۷ق.
۱۴. خوانساری، میرزا محمدباقر، روضات الجنات، بیروت: انتشارات دارالاسلامیة، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۶. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، قاهره: دارالکتب الحدیثیة، الطبعة الثانية، ۱۳۹۶ق.
۱۷. زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۷ق.
۱۸. زرکلی، خیرالدین، الاعلام زرکلی، عنوان دیگر قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت: دار العلم للملایین، بی تا.
۱۹. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت: دارالفکر.
۲۰. شاکر، محمدکاظم، مبانی و روش های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۲۱. شهابی، علی اکبر، احوال و آثار محمد بن جریر طبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.

۲۲. صدوق، محمد بن علی، الخصال، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳ش.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷ق.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۶. الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک تاریخ الطبری، بیت الأفکار الدولیة، بی جا، ۲۰۰۹م.
۲۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۰. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیة، بیروت: دارالقلم، چاپ دوم.
۳۱. قاضی، نورالله بن شریف الدین شوشتری، مجالس المؤمنین، تهران: انتشارات اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۳۳. لطایفی، سید محمد، بررسی قرائات به لحاظ دارا بودن تواتر، حسنا، فصلنامه تخصصی تفسیر علوم قرآن و حدیث، سال سوم، شماره ۹، تابستان و پاییز ۱۳۹۰ش.



۳۴. مازندرانی، ملاصالح، شرح اصول الکافی، بیروت: شبکه فکر، چاپ دوم، ۱۴۲۹ق.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۶. مستوفی قزوینی، حمدالله، نزهة القلوب، تهران: اساطیر، ۱۳۸۹ش.
۳۷. معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون، مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، ۱۴۱۸ق.
۳۸. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.
۳۹. مؤدب، رضا، نزول قرآن و رویای هفت حرف، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات، ۱۳۷۸ ش.
۴۰. میرحمودی، سیدهادی، مؤدب، سیدرضا، مبانی تفسیر قرآن از دیدگاه مفسران شیعه، دوفصلنامه تفسیرپژوهی، سال دوم، ش ۴، زمستان ۱۳۹۴ش.
۴۱. نسائی، احمدبن شعیب، سنن النسائی، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۴۲. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (نویسنده)، آیتی، عبدالمحمد (مترجم)، معجم الادباء، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۱ش.
۴۳. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، البلدان، برید، مدینه، ۱۸۹۰م.
۴۴. <https://www.almaany.Com>/پایگاه اطلاع رسانی معانی عربی و فارسی
۴۵. پایگاه دانشنامه حوزوی ویکی فقه، واژه تفسیر www.wikifeqh.ir

References

١. Abuhayyan, Muhammad ibn Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir*, Beirut: Dar al-Fakr, First Edition, ١٤٢٠ A.H.
٢. Abul Hassan al-Qashiri al-Nisaburi, Muslim bin Hajjaj, *al-Musnad al-Sahih al-Mukhtasa bi Naql al-A'dl an al-A'dl, Sahih Muslim*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ٢٠١٠.
٣. Al-Bukhari, Muhammad Ibn Ismail, *Sahih al-Bukhari*, Dar Tauq al-Najat, First Edition, ١٤٢٢ A.H.
٤. Al-Isma'il, Nabil bin Muhammad Ibrahim, *Ilm al-Qira'at*, School of al-Tawbah, Al-Mamlakah al-Arabiyyah al-Saudiyyah, ١٤١٩ A.H.
٥. Al-Jazari, Abu al-Khair Muhammad ibn Muhammad ibn, *Al-Nashar fi al-Qira'at al-Ashar*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
٦. Al-Tabari, Abu Ja'far Muhammad bin Jarir, *Tarikh al-Umam wa al-Muluk, Tarikh al-Tabari*, Bayt al-Afkar al-Duwaliiyyah, N.p., ٢٠٠٩.
٧. Amin Amili, Mohsen, *A'yan al-Shia*, Dar al-Ta'aruf, Beirut, First Edition, ١٣٠٤ A.H.
٨. Beyhaqi, Abol Hassan Ali bin Zayd, *History of Beyhaq*, Researched by Ahmad Bahmanyar, Tehran: Foroughi, n.d.
٩. Dehkhoda, Ali Akbar, *Dictionary of Dehkhoda*, Tehran: University of Tehran, ١٩٩٨.
١٠. Dhahabi, Mohammad Hossein, *Al-Tafsir wa al-Mafassirun*, Cairo: Dar al-Kutub al-Hadithiyah, Second Edition, ٢٠١٦.
١١. Effendi, Mirza Abdullah, *Riyaz al-Ulama*, Researched by Seyyed Ahmad Hosseini, Qom: Publications of Ayatollah Mara'shi Najafi Library, ١٤٠٣ A.H.
١٢. Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Kitab al-Ain*, Qom: Hijrat Publications, Second Edition, ١٤١٠ A.H.
١٣. Fazli, Abd al-Hadi, *Al-Qira'at al-Quraniyyah*, Beirut: Dar al-Qalam, Second Edition.



۱۴. Ibn al-Jazari, Shams al-Din Abu al-Khair, Muhammad ibn Mohd bin Yusuf, *Al-Nashr fi al-Qira'at al-Ashhar*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, First Edition, ۱۴۱۸ A.H.
۱۵. Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram bin Ali, Abul Fazl, *Lisan al-Arab*, Beirut: Dar Sadir, ۱۴۱۴ A.H.
۱۶. Isfahani Raghīb, Hossein bin Muhammad, *Al-Mufardat fi Gharib al-Quran*, Damascus: Dar al-Ilm al-Dar al-Shamiyyah, First Edition, ۱۴۱۲ A.H.
۱۷. Khansari, Mirza Mohammad Baqir, *Rouzat al-Janat*, Beirut: Dar al-Islamiyyah Publications, ۱۴۱۱ A.H.
۱۸. Khatib al-Baghdadi, Ahmad bin Ali (Author), Atta, Mustafa Abdul Qadir (Edit and Research), *History of Baghdad*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Muhammad Ali Bizoun Publications, ۱۴۱۷ A.H.
۱۹. Kulayni, Mohammad bin Yaqub, *Al-Kafi*, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah, ۱۹۹۶.
۲۰. Lataifi, Seyyed Mohammad, *Review of Recitations in Terms of Massive Reporting*, Hasna, A Specialized Quarterly for Interpretation of the Sciences of the Quran and Hadith, Third Year, Number ۹, Summer and Autumn ۲۰۱۹.
۲۱. Ma'rifat, Mohammad Hadi, *Al-Tafsir wa al-Mufasssirun*, Mashhad: Al-Razavi University of Islamic Sciences, ۱۴۱۸ A.H.
۲۲. Ma'rifat, Mohammad Hadi, *Quranic Sciences*, Qom: Al-Tamhid Cultural Institute, ۴th Edition, ۲۰۰۲.
۲۳. Majlisi, Mohammad Baqir, *Bihar Al-Anwar*, Second Edition, Beirut: Al-Wafa Foundation.
۲۴. Mazandarani, Mullasaleh, *Commentary on Usul Al-Kafi*, Beirut: Shabkah al-Fikr, Second Edition, ۱۴۲۹ A.H.
۲۵. Mir Mahmoudi, Seyyed Hadi, Mowaddab, Seyyed Reza, *Basics of Quran Interpretation from the Point of View of Shia Commentators*, Exegesis Studies bi-quarterly Journal, Second Year, vol. ۴, Winter ۲۰۱۵.
۲۶. Mowaddab, Reza, *The Revelation of the Quran and the Dream of Seven Letters*, Qom: Islamic Preaching Office of Qom Seminary, Publishing Center, ۱۹۹۹.
۲۷. Mustawfa Qazvini, Hamdullah, *Nozhah al-Qulub*, Tehran: Asatir, ۲۰۱۰.

۲۸. Nisa'i, Ahmad bin Shoaib, *Sunan al-Nisa'i*, First Edition, Beirut: Dar al-Fakr., n.d.
۲۹. Paketchi, Ahmad, *Islamic Encyclopedia*, Center for Islamic Encyclopedia, ۱۹۸۸.
۳۰. Qazi, Nurullah bin Sharifuddin Shushtari, *Majlis al-Mominin*, Tehran: Islamiyyah Publications, ۴th Edition, ۱۹۹۸.
۳۱. Sadouq, Mohammad bin Al-Ulma, *Al-Khisal*, Beirut: Al-A'lami Foundation for Publications, First Edition, ۱۴۱۰ A.H.
۳۲. Sajistani, Suleiman bin Ash'ath, *Sunn Abi Dawud*, Beirut: Dar al-Fakr.
۳۳. Shahabi, Ali Akbar, the Life and Works of Mohammad bin Jarir Tabari, Tehran: Tehran University Press, ۲۰۱۳.
۳۴. Shakir, Mohammad Kazem, *Basics and Methods of Interpretation*, Qom: World Center of Islamic Sciences, First Edition, ۲۰۱۳.
۳۵. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Majma' al-Bayan*, Tehran: Naser Khosro Publishing House, ۱۹۹۳.
۳۶. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, *Quran in Islam*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Second Edition, ۱۹۷۴.
۳۷. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Qom: Jamia Madarrasin Qom, ۱۴۱۷ A.H.
۳۸. Turiahi, Fakhreddin, *Majma' Al-Baharin*, Tehran: Mortazavi Bookstore, Third Edition, ۱۹۹۶.
۳۹. Tusi, Muhammad bin Hassan, *Al-Tabyan fi Tafsir al-Quran*, Al-Nashr al-Islami Foundation, ۱۴۱۳ A.H.
۴۰. Yaqubi, Ahmad bin Abi Yaqub, *Al-Buldan*, Barid, Medina, ۱۸۹۰.
۴۱. Yaqut Hamavi, Yaqut bin Abdullah (Author), Ayati, Abdul Mohammad (Translator), *Mu'jam al-Udaba*, Islamic Republic of Iran Radio and Television, Tehran: Soroush Publications, ۲۰۰۲.
۴۲. Zarkali, Khair al-Din, *Al-A'lam Zarkali, Another Title of the Translated Dictionary of the Biography of Men and Women of the Arabs and The Arabized and the Easterners*, Beirut: Dar Elm Lil Malayin, n.d.



۴۳. Zurqani, Abdul Azim, *Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۲۷ A.H.

۴۴. Arabic and Farsi Meanings Information Website (<https://www.Almaany.com/>)

۴۵. Wiki Fiqh Seminary Encyclopedia Database, the word *Tafsir* www.wikifeqh.ir